

دو مطلب از یک نویسنده

۲

طالبان سر چهار مرد را در ولایت هلمند از تن شان جدا کردند!

طالبان مسلح در ولایت هلمند چهار مرد را به اتهام جاسوسی به دولت افغانستان و نیروهای خارجی سر بریدند. سخنگوی این گروه در تماس با رسانه ها گفته است که از نزد این افراد تلفونهای ستلایت را دریافت نموده اند که دال بر مجرمیت شان می نماید.

جای تعجب نیست که طالبان سر افراد بی گناه را می برند و یا دست مردمان را قطع میکنند و یا هم حلقه آویز می نمایند زیرا از شرارت پیشه گان و فتنه گران نمیشود که چیزی دیگری را توقع برد. زیرا خصلت این ددمشان است که میخواهند با ایجاد ترس و رعب بالای مردمان حکومت نمایند. چنانچه در پنج سال حکومت سیاه شان چنین اعمالی را بارها مرتکب شده اند ولی جای حسرت و افسوس اینست که این ظالمان و جنایتکاران و مزدوران بیگانه جنایات و مظالم شان را صبحه شرعی میدهند و طوری وانمود میکنند که گویا با به قتل رساندن مردمان بی گناه بهشتی را هم کمایی خواهند کرد. ولی بیایید ببینیم این دینی را که به آن خودرا متمسک میدانند و خود را به اصطلاح پیاده کنندگان احکام آن در زمین وانمود میکنند. در کجای آن آمده که به جرم داشتن یک پایه تلفون سر انسانی را از تنش جدا کنید. آیا از تلفون ستلایت صرف به عنوان عمل جاسوسی میتوان استفاده کرد و یا موارد دیگری هم هست این چگونه مدرک و اثبات جرم است که هیچ دلیل دیگری در برابر آن قرار گرفته نمیتواند. این چگونه محکمه ای است که عدل و انصاف را نمی پذیرد. این چگونه عدلی است که از سرا پای آن ظلم و بی عدالتی فواران دارد. آیا میدانید که با این عمل زشت و ناروای شما چندین خانواده را به ماتم اولاد های شان نشانید. و چندین پدر و مادر را بی فرزند ساخت و بالاخره چندین زن را بی شوهر و چندین اولاد را بی پدر کرد. آیا میدانید که با این جنایت و وحشی گری قلب دها و صدا ها انسانی را ک با آنها روابط سببی ونسی داشتند جریحه دار گردیده و هم با قتل انسانهای بی گناه چندین جهان انسانی را به تعبیر قرآن به قتل رسانیده اید. این چگونه شعار انصاف است که شما آنرا سر میدهید. آیا باز هم توقع دارید که با این همه مظالم و جنایات خداوند از شما خوشنود گردد و ملت افغانستان آغوش خود را به روی شما باز کند. و سر و روی تانرا ببوسد و برایتان آفرین بگوید. مگر اینرا فکر نکرده اید که آنان نان آوران فامیل های شان بودند. و پس از این اولاد های یتیم شان به چه سرنوشتی روبرو خواهند شد. و مسیر اخلاقی و اقتصادی خانواده های شان به کجا میکشد.

مردم افغانستان به این باورند که این همه رنج و مصیبتی که بار می آید برای شما فرقی نمیکند زیرا نزد شما مهمتر از همه چند مشت کلداری است که از جانب دست اندرکاران سازمانهای استخباراتی کشورهای بیگانه مخصوصاً ای اس ای به شما پرداخت میشود و برایتان وعده میشود که در صورت پیروزی به مقام های بلند دست خواهی یافت. ولی باید بدانید که معامله شما با خداوند قهار خواهید بود و این سربریدگان در میدان گاه محشر دامن تانرا خواهند گرفت و نیز در این دنیا پاداش عمل تانرا خواهی گرفت.

طرح خودمختاری بلوچستان گامی است به سوی تجزیه پاکستان

پس از مبارزات طولانی مردمان شبه قاره هند در برابر اشغالگران انگلیس که منجر به کسب استقلال این کشور و رهایی مردمان آن از چنگال استعمار گردید. همزمان با آن طرح تجزیه این کشور نیز ریخته شد. که بالاخره در سال 1948م کشور جدیدی بنام پاکستان در اثر سعی و تلاش بی دریغ انگلیس از بدنه آن کشور جدا و در نقشه سیاسی جهان عرض وجود کرد. از تجزیه هندوستان و تشکیل پاکستان، بیشترین مفاد را بریتانیای کبیر در آن زمان برد زیرا این امپراتوری با این کار توانست ابتداء از ظهور دولت قدرتمند و یکپارچه هندی در جنوب آسیا جلوگیری به عمل آورد و از جانب دیگر با تشکیل حکومت پاکستان قادر شد تا تمامی اهداف و برنامه های استعماری اش را به واسطه مهره های تربیه شده خویش در منطقه عملی سازد. که با این حال انگلیس ها ظاهراً از قدرت نظامی در منطقه کنار رفتند. ولی حضور سیاسی و استخباراتی آنها نه تنها باقی ماند بلکه بیش تر از پیش تقویت گردید. و انگلیس ها توانستند که بوسیله ایجاد کشور پاکستان دو رقیب سنتی و تاریخی خود یکی هندوستان و دیگری افغانستان را تحت فشار های شدید سیاسی و استخباراتی قرار دهند. که ایجاد نقاط مورد منازعه بین هند و پاکستان در منطقه کشمیر و افغانستان و پاکستان بر سر خط دیورند از برنامه های عمده انگلیس ها در منطقه بود که این

دنیانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

برنامه های استراتژیک حدود بیش تر از نیم قرن بازار خوبی هم برای حکومت بریتانیا و هم برای جنرالان و سیاستمداران پاکستانی داشت. ولی با تغییر اوضاع سیاسی، نظامی در سطح منطقه و جهان و ایجاد روابط تازه در عرصه بین المللی و نیز اقدامات محیلانه و خدعه آمیز مقامات پاکستانی مخصوصاً نظامیان و اعضای ارشد سازمان استخباراتی این کشور با دوستان و هم پیمانان بین المللی شان دیده می شود. که دیگر کشور پاکستان با این طول و عرض و مساحت برای قدرتهای تراز اول جهان کارا نبوده و می باید تا برنامه های نو تری در این زمینه ریخته شود. تا بتوان بهره خوبی از آن برداشت که طرح خود مختاری ایالت بلوچستان از اقدامات کاملاً جدید میباشد. ایالت بلوچستان که در شمال غرب پاکستان و یکی از مناطق دارای منابع سرشار زیرزمینی همچون نفت، گاز و سنگ های معدنی قیمتی بوده، همچنان بندرگاه مهم بحری گوادردر پاکستان نیز این ایالت موقعیت دارد. این طرح ابتدا توسط یکی از سناتوران جمهوریخواه کانگرس ایالات متحده امریکا به نام "رورا بکر" مطرح شد. و موصوف بلوچهای پاکستان را مستحق حق تعیین سرنوشت به دست خود شان دانسته و خواستار حمایت کانگرس امریکا از استقلال مردمان این ایالت شده است. هر چند مقامهای امریکایی تا اکنون به گونه رسمی در این رابطه اظهار نظر نکرده اند. ولی آنچه در خور توجه است اینکه اگر امروز این مسئله به عنوان طرح و آنهم توسط یک عضو کانگرس امریکا مطرح و مورد بحث قرار می گیرد جای شک نیست که حتماً مفکوره این چینی در اذهان کشور های بزرگ و تصمیم گیر در سطح بین المللی خطور نموده است که این بار خواستند آنرا به عنوان تست در ذهنیت عامه جهان زرق نمایند. تا پس کنترل نبض مردم بلوچستان و مجامع بین المللی اقدامات بعدی را راه اندازند. و بعید نخواهد بود که این صدا روز دیگر از آدرس و تریبیون دیگری بلند شود.

به هر تقدیر نقطه مورد بحث برای مردم افغانستان اینست که نظامیان پاکستانی یک زمانی خواب تجزیه و اضمحلال دیگران را می دیدند امروزه بالای آن دامن خودشان را فرا گرفته و دیر یا زود چاهی را که برای دیگران کنده بودند خود در آن پرت خواهند شد.

پایان